

فلسفه اناتول فرانس

تائیس

بقلم جناب آقای میرزا حبیب الله خان پور رضا

اناتول فرانس یکی از فلاسفه و نویسندگان بزرگی بود که اخیراً پس از باقی گذاردن تألیفات گرانبهایی از افکار عالی خود در سن هشتاد سالگی بدرود حیات گفت .

کسانیکه با فلسفه افلاطون آشنا و نیز یک دوره اشعار فلسفی عمر خیام را دیده باشند بافکار عالی این فیلسوف بزرگ نیز قدری نزدیک شوند تصدیق خواهند نمود که افلاطون ، عمر خیام ، اناتول فرانس هر سه مظهر یک قوای معنوی و دارای یک احساسات بوده اند . فقط فرقی که هست افلاطون یونانی و در چهار قرن قبل از مسیح میزیسته ، خیام نیشابوری و در قرن دوازدهم و اناتول فرانس پاریسی و در قرن بیستم مسیح زندگانی مینمودند .

اناتول فرانس یک فیلسوف و نویسنده زبردستی بود که نکات مهم فلسفی و مسائل فامضه حیاتی را که تاکنون کمتر کسی پی بحقیقت آن برده کشف و با یک عباراتی ساده و دلچسب بیان مینمود .

تألیفات ابن فیلسوف بزرگ مثل گلستان سعدی دارای بزرگترین معجزه کتابتی است یعنی کلیه خوانندگان از طفل هفت ساله الی شخص هفتاد ساله هر کسی بقدر قوه فهم و ادراک خود از آن استفاده مینماید . اناتول فرانس مردولی افکار عالی او الی الابد باقی است .

کسانیکه فرانس را صاحب شك و تردید میدانند اشتباه بزرگی نموده اند. صحیح است اناطول فرانس در کلیه تالیفات و نوشتجات خود در اغلب مسائل حیاتی شك مینمود و کلیه بناهای اباد و عقاید صحیح را که در جلو خود می یافت خراب و عبور مینمود.

ولی چه شکی؟ و چه انهدامی؟

شکی است که شما را بیقین هدایت نمی نماید، خرابه هائی است که در روی آن اساس حقیقت بنا می میشود. اگر باور ندارید به هر یک از تالیفات ابن فیلسوف بزرگ که دسترس دارید آنرا گرفته و بخوانید تا بالاخره از بین اراء متضاده و عقاید متزلزل اصل حقیقت را بیابید. یکی از صفات اناطول فرانس حسن بیان بود که مسائل و قضایای مهم حیاتی را در لباس ساده با عبارات شیرین و دلچسب بیان می نمود و چون از ذوق و فکر بشر کاملاً اطلاع داشت غالباً مجبور میشد که مسائل مهمه را نظیر « ویکتور هوگو » در لباس رمان و قصص بیان نماید.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 اناطول فرانس از زندگی این دنیا استفاده نمود انطوریکه طبیعت میل داشت نه به تربیتی که انسان مایل است. بین تفاوت ره از کجا است تا بکجا!

فرانس سعادت بشر را موهوم و خیال میدانست زیرا که از ماهیت و طبیعت بشر کاملاً مطلع بود و میدانست کسیکه دارای فکر و عقل گردید وضعیات این دنیا مطابق میل و آمال او نخواهد بود. تمول و سایر وسائلی را که دیگران سعادت بشر میدانند فرانس کلیه را با

يك تبسم تمسخر آمیزی استقبال نموده و تمام را موجب بدبختی و مسكنت بشر میدانست .

یکی از خصائلی که این نویسنده بزرگ را بفلاسفه ایران نزدیک مینماید بیان حسن صورت و زیبایی است و بقدری در این خصات غلو نموده که انسان را مبهوت مینماید . در کتابی که در وصف کایسهای شهر فلورانس نوشته است بطوری ماهرانه آثار صنعتی را توصیف و بیان نموده است که انسان در بدو امر تصور مینماید که مصنف این کتاب یکی از استادان ماهر و دقیق صنعت میباشد . در سحر بیان نیز کمتر نویسنده ای نظیر اناطول فرانس بوده است . در کتاب « زنبق سرخ » بقدری ظریفانه شهر فلورانس و بریتانیا و پاریس را توصیف نموده است که مطمئن هستم که هر کس این کتاب را بخواند مثل من عاشق این سه شهر خواهد شد و چه معجزه بالاتر از این که خواننده را ندیده و نشناخته فقط به وصف و سحر قلم عاشق يك چیز و يك محل مینماید ؟

شوشگاه علوم انسانی و مطابقت فرهنگی
يك نظر اجمالی بزبان فارسی و سایر السنه* خارجه معلوم مینماید که ادبیات هر زبانی دارای حسن بیان و کلمات و استعارات مخصوصه ایست که ترجمه آن بسایر زبانها با همان عبارات شیرین که بتواند لذت و حلاوت اول را دارا باشد نهایت دشوار و بلکه میتوان گفت محال است .

گلستان سعدی ، اشعار صحر خیام ، کتاب ایللیاد و ادیسه ، تألیفات شکسپیر ، انتقادات و یکتور هوگو ، کتب اناطول فرانس جزو کتب ادبی دنیا محسوب و به اغلب از زبانها ترجمه و طبع شده است ولی باید تصدیق نمود که خواننده از هیچکدام لذت و حلاوتی

را که از نسخه اصلی آن می برد از ترجمه آن نخواهد برد .
 يك عبارت ساده تر :

ترجمه کتب ادبی و فلسفی را میتوان بوق عکس تشبیه نمود که در روی ورقه عکس فقط هیئت اشیاء مادی ظاهر میشود . و ایاتا کنون ممکن شده است که در روی ورقه عکس احساسات و قوه فکر انسانی را نیز ظاهر نمود ؟ بنابر این خوانندگان منتظر نباشند که نویسنده با این قلم نارسا بخواهد کتاب تائیس که یکی از شاهکار های این فیلسوف قرن بیستم است ترجمه نماید .

خبر ۱ - بلکه در نظر است دو سه نکات شیرین این کتاب را فقط برای نمونه بنظر قارئین محترم رسانیده که شاید به این وسیله بتوان اذن را بقرائت کتب این نویسنده مشهور ترغیب و ضمناً از آقایان فضایی ایران و کسانی که امروزه اوقات عزیز خود را صرف ترجمه بعضی تالیفات بیفایده میکنند تقاضا میشود حالا که قبول زحمت نموده یکی دو جلد از تالیفات این نویسنده مشهور و یا از تالیفات « پیرلوطی » که به کلمه زبانها غیر از فارسی ترجمه شده است ترجمه نمایند که شاید قرائت این کتب راه زندگانی را به هموطنان عزیز بیاموزد .



کسانیکه قبلاً چندین جلد از تالیفات اناطول فرانس را خوانده و سپس کتاب تائیس را قرائت نمایند بدو تصور میکنند که این کتاب اثر فکر فلسفی اناطول فرانس نیست و بقلم نویسنده دیگری است که برای جلب منفعت نسبت این کتاب را با اناطول فرانس داده است ولی

خواننده اگر برای دفعه دوم این کتاب را مرور نماید به نکات مهم و عقاید فلسفی که فقط مخصوص افکار اناتول فرانس است برخورد و تصدیق مینماید که این کتاب گرانها از اثر قلم و فکر این فیلسوف بزرگ میباشد. اناتول فرانس برای اینکه خوانندگان را بسر ذوق آورد غالب آثار فلسفی خود را بصورت رمان و قصص در آورده و مطالب مهم فلسفی و مسائل غامضه حیاتی را بمظاهر مختلفه از زبان اشخاص بیان مینمورد. در این کتاب تائیس اسم یکنفر زن جوان خوشکلی است که در طفولیت بواسطه بی مهری پدر و مادر در مسکنت و فقر زندگی و در سن نه سالگی توسط غلام سیاهی غسل تعمید داده شده و داخل در مذهب مسیح میگردد و بالاخره پس از آنکه بسن رشد رسیده بواسطه حسن صورت و نیکی سیرت داخل در زندگانی عمومی شده و شغلش ممثله و رقاص بوده و بقدری در این صنعت مهارت پیدا نمود که طرف جیب عموم مردم اسکندریه واقع گردید.

شیراز، دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقصود اناتول فرانس از تالیف این کتاب بیان حقایق اولیه مذهبی است ولی نه فلسفه ای که سایر بزرگان دین نوشته اند. اناتول فرانس بایک نظری بیطرفانه ولی عمیقانه کلیه حقایق مذهبی را موشکافی و اجمالا بیان نموده و معضلات جزئی آن را واگذار بفهم و ذوق خواننده نموده است.

از صفحات اولیه این کتاب در خم و پیچ مطالب آن می بینیم که فرانس از صورت ظاهری اشخاص ریاکار سخت وحشتناک و خدا پرستی و ایمان و عقیده را در سیرت میدانده در صورت فرانس

معتقد است که چه بسا اشخاص ریاکار دغل برای جلب منفعت لباس و صورت ظاهر را وسیله پیشرفت مقاصد خود قرار داده اند. چنانچه مولوی در هفتصد سال قبل میفرماید:

ای بسا ابلیس آدم روکه هست

پس بهر دستی نباید داد دست

همان ترتیب که اناتول فرانس منکر سعادت بشر است. شقاوت، بدبختی، عدالت، ظلم، نیکی و بدی را کلمات موهوم و خیال دانسته و عقیده دارد که فقط افکار بشری است که باین کلمات صورت معنویت داده و بانواع مختلفه در انظار عامه جلوه گر میشود.

مسئله دیگر که در ضمن مکالمات و محاورات اناتول فرانس در کتاب خود گنجانیده است این است که فرانس ظلم و جنایاتی که در این دنیا واقع میگردد بشر را مسئول آنها نمیداند. همان ترتیب که مظلوم را قابل رحم و شفقت میدانند در موقع خود شقی را نیز قابل رحم میدانند. اساساً اناتول فرانس معتقد است که بشر بخودی خود شخصاً قادر و توانا نیست که جنایات را مرتکب شود یا بعبارت ساده فرانس طرفدار عقاید فلاسفه جبری است. اگر قدری دقیق شویم معنای حدیث: «السعيد سعيد في بطن امه و شقی شقی في بطن امه» را فرانس بایک عبارتی ساده و روشن در کلیه صفحات کتاب خود گنجانیده و در روی همین اساس است که می بینیم عقیده این نویسنده بزرگ با افکار فلاسفه ایران خیلی نزدیک و توافق دارد. چنانچه در روی همین عقیده حافظ می گوید:

من اگر نیکم اگر بد چمن آرائی هست

از همان دست که می پروردم می رویم.

اناتول فرانس شقاوت و بدبختی و جنایات واقعه در این دنیا و بالاخره کلیه مسائل حیاتی را مربوط به بشر نمیداند و فقط انسان را آلی میداند که مجری احکامات دیگری است لذا در قسمت راجع بعذاب اخروی عقیده اش باهر خیام یکی بوده است چنانچه در ضمن رباعیات خیام می بینیم:

یزدان چو گل وجود ما می آراست

دانست ز فعل ما چه بر خواهد خواست

بی حکمش نیست هر گناهی که مراست

پس سوختن قیامت از بهر چه خواست

و نیز در یک رباعی دیگر میفرماید:

گفتی که ترا عذاب خواهم فرمود

می در عجم که او کجا خواهد بود

جائی که توئی عذاب نبود اینجا

جائی که تو نیستی کجا خواهد بود

امید است که ذکر این مختصر مورد توجه فضلا و ادبای ایران واقع و به ترجمه تالیفات خیام قرن بیستم که به تمام زبانها غیر از فارسی ترجمه شده است اقدام و هموطنان را از افکار این فیلسوف بزرگ بهره مند نمایند.

سول مند - بدیهی است مقصود نگارنده فاضل مقاله*

فوق از ترجمه و نشر تالیفات « انا تول فرانس » فقط از نقطه نظر ادبی است که هموطنان از افکار و تصورات یکنفر نویسندۀ بزرگ عالم بی خبر نباشند اما راجع به « جبر و اختیار » که یکی از موضوعهای بسیار فاض و دشوار فلسفه است عنقریب مامقاله خواهیم نگاشت و باوجود اینکه هرگز این مسئله درست حل نگردیده تا اندازه ثابت خواهیم کرد که « جبر » تا چه اندازه بموجب تحقیقات علمی و فلسفی صحیح و درست و تا چه حد باطل و خطرناک است. در هر صورت باید « جبر حقیقی » را که بسیاری از فلاسفه اروپا هم معتقدند با « جبر غیر حقیقی » که سلب هر قدرتی از انسان میکند تمیز داد. یکی از علتهای فساد اخلاق ایرانیان تمیز ندادن این دو جبر است که بالطبع نتیجه آن بی حالی، بی‌تقدیری، تقبلی و تن به هر قبیل اعمال ناشایسته دادن است. انسان برای تکمیل نفس خود و تهذیب اخلاق یا باصطلاح روحانی گشتن خلقت شده است؛ اگر بنا باشد هر عمل زشت و قبیحی که میکند خود را مختار نداند و مجبور به اجرای آن فعل شنیع تصور کند محال است که بتواند خود را از خوی و حشیگری نجات دهد بلکه همیشه رو به پستی خواهد رفت چه، تقریباً یقین است هر کسی که بالا نرفت پائین خواهد رفت. چون در اینخصوص مقاله مطولی خواهیم نگاشت عجاله بهمین جزئی اشاره اکتفا میکنیم.